

قصد دارد ضمن توجه به ادبیاتی که در این زمینه تولید شده و هم‌چنین موانع و فرصت‌های همگرایی، به چگونگی دستیابی به همگرایی اقتصادی در این منطقه بپردازد. از دید نگارنده، دستیابی به همگرایی اقتصادی در خلیج‌فارس صرفاً دلایل اقتصادی ندارد و این پژوهش سعی بر آن دارد که متغیرهای گوناگون اقتصادی، سیاسی، امنیتی، دینی-فرهنگی و... را در دستیابی به همگرایی اقتصادی در منطقه مدنظر قرار دهد؛ از این‌رو، در سه بخش چالش‌ها، ظرفیت‌ها و الزامات به امکان‌سنجی دستیابی به همگرایی اقتصادی در حوزه‌ی خلیج‌فارس پرداخته می‌شود.

### ۱. پیشینه همگرایی در حوزه‌ی خلیج‌فارس

در گذشته‌ی دور و نزدیکِ منطقه‌ی خلیج‌فارس، شواهدی از جنگ‌های بزرگ منطقه‌ای (غیر از حمله عراق به ایران و کویت) وجود ندارد؛ ریشه‌های اصلی این دو جنگ را هم باید در شخصیتِ صدام حسین و هم‌چنین دخالتِ آمریکا در منطقه دانست؛ نه تعارضات جدی میان کشورهای منطقه. از طرف دیگر، می‌توان به موارد زیادی از همکاری‌های اقتصادی (از جمله تجارت مروارید، صید و تجارت ماهی، همکاری‌های دریایی و...) در طول تاریخ این منطقه اشاره کرد. قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، روابط ایران با کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج‌فارس سازنده و مثبت بود. در این دوره آمریکا از هر دو کشور ایران و عربستان در مسائل منطقه‌ای حمایت می‌کرد و در سایه‌ی چتر حمایتی آمریکا، هر دو کشور به دنبال تأمین امنیت حوزه‌ی خلیج‌فارس بودند؛ و مسائلی مانند ملی‌گرایی جمال عبدالناصر، مداخلات شوروی در منطقه و حزب بعث در عراق را تهدیدات مشترکی علیه امنیتِ ملی خود می‌دانستند. اما با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، علاوه بر این‌که کشورهای عربی منطقه به دلیل شعارهای انقلابی مقامات ایران و مسئله‌ی صدور انقلاب، نگران گسترش این انقلاب به کشورشان شدند، آمریکا نیز متحد اصلی منطقه‌ای خود را از دست داد. متأثر از این مسئله، کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج‌فارس، با پشتیبانی آمریکا به این فکر افتادند که شورای همکاری خلیج‌فارس<sup>(۱)</sup> را باهدف دفاع از امنیت ملی خودشان تشکیل دهند. هدف از تشکیل شورای همکاری خلیج‌فارس، بیشتر انگیزه‌های سیاسی و